



# دوبینک فوری شب امتحان

خلاصه فشرده برای مرور سریع ❄️

زبان انگلیسی یازدهم

Lesson 1: Understanding People (درک مردم)

واژگان

language	زبان	endangered	در معرض خطر
written	نوشتاری	impossible	غیرممکن
available	در دسترس	therefore	بنابراین
deaf	ناشنوا	respect	احترام گذاشتن، احترام
sign language	زبان اشاره	valuable	ارزشمند
communicate	ارتباط برقرار کردن	means	وسيله، ابزار
keep off	دور ماندن	no matter	مهم نیست
foreign	خارجی	look for	جست‌وجو کردن
besides	علاوه بر	specific	ویژه، خاص
experience	تجربه	tiny	کوچک
absolutely	قطعاً	difficult	سخت، دشوار
fluently	به‌طور روان	strong	قوی
to be honest	صادقانه، اگر راستش را بخواهید	fortunately	خوشبختانه
translator	مترجم	disappear	ناپدید شدن
begin	شروع کردن	happen	اتفاق افتادن
institute	مؤسسه	uncountable	غیرقابل شمارش
as early as possible	در اولین فرصت ممکن	loaf	قرص (نان)
region	منطقه	slice	برش
continent	قاره	subject	فاعل
exist	وجود داشتن	object	مفعول
native	بومی	adverb	قید
range	تغییر کردن، طیف	manner	حالت، منش، رفتار
popular	پرطرفدار	laugh	خندیدن
percent	درصد	mean	معنی دادن
imagine	تصور کردن	suggest	پیشنهاد کردن
meet the needs	برآورده کردن نیازها	improve	بهبود بخشیدن
century	قرن	consider	در نظر گرفتن
by means of	به وسیله، از طریق	make sure	مطمئن شدن
society	جامعه	escape	فرار کردن
ability	توانایی	make a mistake	اشتباه کردن
vary	تفاوت داشتن	afraid	ترسیده، نگران
make up	تشکیل دادن	confident	مطمئن
despite	علی‌رغم	knowledge	علم، دانش
some	تعدادی، مقداری	price	قیمت
billion	میلیارد	quite	کاملاً، نسبتاً
access	دسترسی داشتن، دسترسی	loudly	با صدای بلند
a few	تعداد کم	lots of	تعداد یا مقدار زیاد
plenty of	تعداد یا مقدار زیاد	several	چندین

اسامی قابل شمارش (Countable Nouns)

قابل شمارش هستند / دارای شکل مفرد و جمع هستند / می‌توانند با a / an و اعداد به کار بروند.

اسامی غیرقابل شمارش (Uncountable Nouns)

قابل شمارش نیستند و شکل جمع ندارند / نمی‌توانند با a / an استفاده شوند / معمولاً شامل مواردی مانند مایعات، مواد، مفاهیم انتزاعی و اسم‌های گروهی هستند.

اسامی غیرقابل شمارش		اسامی غیرقابل شمارش	
تعداد کم	اسم جمع + a few / few a few: به معنی تعداد کم کافی few: به معنی تعداد کم ناکافی	مقدار کم	اسم غیرقابل شمارش + a little / little a little: به معنی مقدار کم کافی little: به معنی مقدار کم ناکافی
تعداد متوسط	اسم جمع + some	مقدار متوسط	اسم غیرقابل شمارش + some
تعداد زیاد	اسم جمع + many / a lot of / lots of / plenty of چه تعداد: how many	مقدار زیاد	اسم + much / a lot of / lots of / plenty of غیرقابل شمارش چه مقدار: how much

شمارش اسامی غیرقابل شمارش

چون اسامی غیرقابل شمارش را نمی‌توان مستقیماً شمرد، از عبارات یا کلمات اندازه‌گیری استفاده می‌کنیم.

اسم غیرقابل شمارش + of + (جمع / مفرد) کلمه اندازه‌گیری + تعداد

کلمات اندازه‌گیری	معنی			
bottle	بطری	a bottle of	two, three, ... bottles of	water
cup	فنجان	a cup of	two, three, ... cups of	tea, coffee
glass	لیوان	a glass of	two, three, ... glasses of	water, juice
bag	کیسه	a bag of	two, three, ... bags of	rice, sugar
piece	تکه	a piece of	two, three, ... pieces of	cake, paper
slice	برش	a slice of	two, three, ... slices of	watermelon / melon / banana
kilo	کیلو	a kilo of	two, three, ... kilos of	meat, rice
loaf	قرص	a loaf of	two, three, ... loaves of	bread

نوشتن اعداد در جملات

برای نوشتن اعداد بیست و یک تا نود و نه از یک خط فاصله (-) بین دهگان و یکان استفاده می‌شود.

Twenty - one students attended the class.

بیست و یک دانش‌آموز در کلاس حاضر شدند.

ترتیب اجزای جمله در انگلیسی (ساختار استاندارد)

ترتیب معمولی در جمله خبری

قید زمان + قید مکان + قید حالت + مفعول + فعل + قید تکرار + فاعل

Subject + adverb of frequency + verb + object + adverb of manner + adverb of place + adverb of time

او همیشه هر روز عصر با خوشحالی در حیاط بازی می‌کند.

She always plays basketball happily at the yard every evening.

ساختار و اجزای یک جمله سؤالی در انگلیسی

در انگلیسی، جملات سؤالی (Interrogative Sentences) معمولاً با افعال کمکی (Auxiliary Verbs) یا کلمات پرسشی (Wh - words) شروع می‌شوند.

سؤالات بله / خیر (Yes / No Questions)

این نوع سؤالات با افعال کمکی (do, does, did, is, are, was, were, can, will, etc) شروع می‌شوند.

(Auxiliary Verb) + Subject + Main Verb + object + (Rest of the sentence)?

Did they watch the movie?

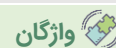
آیا آن‌ها فیلم را دیدند؟

(Wh - word) + Auxiliary Verb + Subject + Main Verb + (Rest of the sentence)?

Why did they arrive early?

چرا آن‌ها زود رسیدند؟

Lesson 2: A Healthy Lifestyle (سبک زندگی سالم)



healthy	سالم	illness	بیماری
lifestyle	سبک زندگی	necessary	لازم
education	آموزش، تحصیلات	condition	وضعیت
laughter	خنده	effective	مؤثر
medicine	دارو، رشته پزشکی	positive	مثبت
jog	آهسته دویدن	social	اجتماعی
climb	بالا رفتن	health	سلامتی
junk food	غذای ناسالم	however	اما
pyramid	هرم	take care	مراقبت کردن
diet	رژیم یا برنامه غذایی	identify	شناسایی کردن
rarely	به ندرت	predict	پیش‌بینی کردن
couch potato	معتاد تلویزیون / تنبل	step	قدم، مرحله
gain weight	چاق شدن	creation	خلقت
since	از ....	useful	مفید
hang out	با دوستان وقت گذراندن	disorder	بی‌نظمی، اختلال
prefer	ترجیح دادن	invitation	دعوت
guess	حدس زدن	influence	تأثیر گذاشتن، تأثیر
heartbeat	ضربان قلب	reason	دلیل
blood pressure	فشار خون	properly	به‌طور مناسب
measure	اندازه گرفتن	quit	ترک کردن
heart attack	حمله قلبی	event	رویداد
serving	پرس، وعده غذایی	medical	درمانی، پزشکی
harmful	مضر	invention	اختراع
habit	عادت	cure	درمان کردن، درمان
addiction	اعتیاد	develop	توسعه دادن، پیشرفت کردن
physical	جسمی	stage	مرحله، سکو
calm	آرام	retire	بازنشسته شدن
balanced	متعادل	become	شدن
amount	مقدار	mission	ماموریت
contain	در بر گرفتن	for sure	به یقین
recent	تازه، جدید	yet	هنوز
emotional	احساسی، عاطفی	grow up	رشد کردن، بزرگ شدن
prevent	جلوگیری کردن	hurry up	عجله کردن
disease	بیماری	attend	حاضر شدن
relationship	ارتباط	spend	گذراندن، خرج کردن
behave	رفتار کردن	situation	موقعیت
certain	مطمئن، خاص	notice	توجه کردن، اعلامیه
general	عمومی	forbidden	ممنوع
keep on	ادامه دادن	practice	تمرین کردن، تمرین

hint	نکته، اشاره
proportion	بخش، سهم
enable	توانمند ساختن
creative	خلاق
strange	عجیب و غریب
various	متفاوت
particular	ویژه
socialize	ارتباط گرفتن
regular	منظم
wellness	سلامتی
mineral	معدنی
ahead	در پیش رو
flat tire	لاستیک پنجر

cycling	دوچرخه سواری
comfortable	راحت
miracle	معجزه
cause	دلیل، موجب شدن
addict	معتاد
device	وسيله
avoid	پرهیز کردن
limit	محدود کردن
worthy	ارزشمند
indirect	غیرمستقیم
thought	فکر
groceries	خوراویار
negative	منفی

### زمان حال کامل (Present Perfect)

زمان حال کامل در زبان انگلیسی برای توصیف کارهایی که در گذشته اتفاق افتاده اما تأثیر یا ارتباطی با زمان حال دارند، استفاده می‌شود. ساختار زمان حال کامل

قسمت سوم فعل + have / has + فاعل (past participle)

I **have done** my homework.  
She **has visited** Rome.

من تکلیفم را انجام داده‌ام.  
او از رم دیدن کرده است.  
منفی کردن فعل حال کامل

قسمت سوم فعل + have / has + not + فاعل (past participle)

I **have not (haven't)** seen that movie.

من آن فیلم را ندیده‌ام.  
جمالت سؤالی در زمان حال کامل

قسمت سوم فعل + فاعل + have / has (past participle)?

Has she **called** you today?

آیا او امروز با تو تماس گرفته است؟  
سؤالات با کلمات پرسشی (Wh - questions) در زمان حال کامل

قسمت سوم فعل + فاعل + wh + have / has (past participle)?

How long **have** they lived here?

آن‌ها چه مدت اینجا زندگی کرده‌اند؟

Ever, yet, since, for, never, just, already, so far, recently, lately

کلمات کلیدی رایج در زمان حال کامل

I have lived here **for** five years.

تفاوت بین "for" و "since" در حال کامل  
For مدتی مشخص (برای چندین سال، چند روز، چند ساعت و ...)  
من برای پنج سال است که اینجا زندگی می‌کنم.

She has worked here **since** 2010.

Since نقطه شروع مشخص (از سال ۲۰۱۰، از صبح، از دیروز و ...)  
او از سال ۲۰۱۰ اینجا کار می‌کند.

کاربردهای زمان حال کامل

۱- تجربه زندگی بدون ذکر زمان دقیق

من هرگز سوشی امتحان نکرده‌ام.

۲- اتفاقی که در گذشته شروع شده و هنوز ادامه دارد

او پنج سال است که اینجا زندگی می‌کند.

۳- اتفاقی که در گذشته افتاده و تأثیر آن تا زمان حال ادامه دارد

کلیدهایم را گم کرده‌ام. ← هنوز آن‌ها را پیدا نکرده‌ام.

۴- اتفاقی که تازه رخ داده است معمولاً با **just recently - already**

او همین الان رسیده است.

۵- تأکید بر تعداد دفعات وقوع یک عمل

ما سه بار به پاریس سفر کرده‌ایم.

I **have never tried** sushi.

She **has lived** here for five years.

I **have lost** my keys.

He **has just arrived**.

We **have visited** Paris three times.